با سرآمدان شعر و هنر عاشورایی

در منظومه حزن و حماسه

از میان همه اشعاری که در خاطره داریم، تکبیت‌های فراوانی است که هر ساله برایمان نو می‌شود. با همه تکراری بودن، انگار تازه سروده شده‌اند. «از این چه شورش است که در خلق عالم است»، «کربلا در کربلا می‌ماند اگر زینب نبود»، «همسنگی را شبه دین در حرمش مهمان است»، «سرمایه محبت زهراست دین من» و الی ماشاءالله اشعار و نواها و نغمه‌هایی که در طول سالیان متمادی سروده شده‌اند و هنوز نو هستند و تاثیرگذار. این ویژگی اشعار عاشورایی شاید از مولفه‌های دیگری که دارند، میرازتر و جلوه‌گرتر است و براستی راز ماندگاری این اشعار در چیست؟ جز در پیوند خوردن‌شان با واقعه‌ای که آن نیز ماندگار است و فراموش نشدنی و هر سال با آغاز محرم، گویی آن واقعه دوباره در جایی از این عالم رخ داده است و خبرش را آورده‌اند.

پیغام کربلا به نجف برد جبرئیل / یا مرتضی علی پسری داشتی چه شد؟

جایی از استاد قادر طهماسبی(فرید) یکی از شاعران صاحب‌نام شعر عاشورایی و صاحب غزل «کربلا در کربلا می‌ماند اگر زینب نبود»، خواندم: «ما در رود جاری عاشورا نقش جوی‌های باریکی را داریم که به آن پیوسته‌ایم و بالاخره باید در آن ماهیان پیامی را رها کنیم که در جایی که رود پهن می‌شود این ماهیان جست‌وخیز کنند.»

این اشاره اشاره کم‌نظیری است و گواهی بر این است که شاعر شعر عاشورایی نه می‌تواند جدا از زیبایی و بزرگی جریان همیشه جاری عاشورا باشد و نه این چنین هست اشعار عاشورایی ماندگار ادبیات را (فارسی، آذری و عربی) عمدتا کسانی سروده‌اند که جان و اندیشه‌ای سالم داشته‌اند و در هنگامه وصل و روان شدن ذوق شاعری به درجه‌ای از تنزه و ترکیه رسیده‌اند. خواندن اقوال و روایات و ماجراهایی که حول بسیاری از شخصیت‌های مهم «شعر عاشورایی» اتفاق افتاده، تکمله‌ای بر سروده‌های ایشان است؛ دانستن اینکه این اشعار چگونه به زبان و قلم آمده است. در پرونده «وطن‌امروز» درباره شعر عاشورایی، اشاراتی داشته‌ایم.

«عصر عاشورا»ی محمود فرشچیان، مشهورترین اثر تجسمی درباره واقعه عاشوراست. موضوع اثر، بازگشت اسب بی‌سوار به سوی خیمه‌ها، پس از شهادت امام حسین(ع) در عصر عاشورا و نمایش حزن و اندوه اهل بیت امام در مواجهه با این صحنه است. خلق تابلوی «عصر عاشورا»، چنانکه محمود فرشچیان گفته، در روز عاشورای ۱۳۵۵ (۱۱ دی) آغاز و در سال ۱۳۶۹ به موزه آستان قدس رضوی اهدا شد. این تابلو به دلیل قوت هنری و غنای اثر، در کنار مضمون عاشورایی، یکی از آثار الهام‌بخش و محبوب برای شیعیان است.
تکنیک: اکریلیک روی مقوای بدون اسید
ابعاد: بدون قاب و حاشیه ۹۸×۷۳ سانتیمتر

چند شعر الهام گرفته‌شده از تابلوی عصر عاشورای استاد

شاید قلم «فرشچیان» معجزه‌ای کرد

از قدیم این بحث همواره مطرح بوده است که شعر محصول جوشش یا کوشش شاعر است و همواره شعر کوششی که با جوششی ناب همراه باشد ماندگار می‌شود. شعر جوششی در وقت خوش و حال خوب به شاعر می‌رسد؛ وقتی که شاعر در مراسمی معنوی حضور دارد یا در مواجهه با یک پدیده جوشش درونی‌اش فعال می‌شود. هنرهای تجسمی در این میان یکی از نقاطی است که اثرگذاری بالایی برای فوران شعر در شاعر داشته و در بین شاعران آیینی می‌توان نقاشی‌های استاد محمود فرشچیان را یکی از ایستگاه‌های جوشش شعر آیینی دانست و در رأس آن نقاشی تاریخی «عصر عاشورا» است.

عصر عاشورا یکی از آثار بی‌نظیر محمود فرشچیان است که در عاشورای سال ۱۳۵۵ به تصویر کشیده شده است. موضوع این اثر بازگشت مرکب بی‌سوار حسین بن علی به سوی خیمه‌ها در عصر عاشوراست. فرشچیان این اثر را باکیفیت‌ترین در میان تولیدات خود می‌داند. این اثر در سال ۱۳۶۹ به موزه آستان قدس رضوی اهدا شد. وی آثار دیگری نیز پیرامون عاشورا دارد که از آن جمله تابلوی «پرچمدار حق» پیرامون عباس بن علی و «هدیه عشق؛ حضرت علی‌اصغر» در کربلاست. استاد محمود فرشچیان خود درباره خلق این اثر می‌گوید: «۳ سال پیش از انقلاب، روز عاشورا، مادرم گفت: برو روضه گوش کن تا چند کلام حرف حساب بشنوی. گفتم: من حالا کاری دارم بعد خواهم رفت. رفتم اتاق اما خودم ناراحت شدم. حال عجیبی به من دست داد، قلم را برداشتم و تابلوی «عصر عاشورا» را شروع کردم. قلم را که برداشتم همین تابلو شد که الان هست، بدون هیچ تغییری. الان که بعد از ۳۰ سال به این تابلو نگاه می‌کنم، می‌بینم اگر می‌خواستم این کار را امروز بکشم، باز هم همین تابلو به‌وجود می‌آمد، بدون هیچ تغییری. یک چیزی دارد این تابلو که خود من هم گریه‌ام می‌گیرد... تفکر حاکم بر تابلو هم همان اصل حاکم بر تابلوی ضامن آهو است، یعنی تمام خطوط مدور بوده و به وجود مبارک حضرت زینب(س) ختم می‌شد».

در بین اشعاری که در این‌باره سروده شده است، متبادرترین شعری که به ذهن می‌رسد، شعر «توفان واژه‌های «سیدحمید برقعی» است که با عنوان «دارد غروب فرشچیان گریه می‌کند» مشهور شده است. برقعی اینگونه سروده است:

در اوج روضه خوب دلش را که غم گرفت
وقتی که میز و دفتر و خودکار دم گرفت
وقتش رسیده بود به دستش قلم گرفت
مثل همیشه رخصتی از محتشم گرفت
باز این چه شورش است که در جان واژه‌هاست
شاعر شکست خورده توفان واژه‌هاست
بی اختیار شد قلمش را رها گذاشت
دستی زغیب قافیه را کربلا گذاشت
یک بیت بعد، واژه لب تشنه را گذاشت
تن را جدا گذاشت و سر را جدا گذاشت
حس کرد با به پاش جهان گریه می‌کند
دارد غروب فرشچیان گریه می‌کند
شیرینعلی گلمرادی قصیده‌ای در رثای حادثه کربلا دارد که تصویر غروب فرشچیان را در آن توضیح می‌دهد و با این ۲ بیت به پایان می‌رسد که

می‌توان نقش کشید از تب صحرای فرات
می‌توان گرم شد از سوختن اما نگران
غزلی بود که نقاش به تصویر کشید
منم و خبرگی و چشم تماشا، نگران

حجت‌الاسلام سیدعبدالله حسینی، شاعر آیینی کشور شعری با الهام از نقاشی عصر عاشورا دارد. او می‌گوید: بیست و چند سال پیش بود که نخستین‌بار تابلوی اعجازآمیز استاد فرشچیان رونمایی شد و من بعد از دیدن آن اثر شگفت‌انگیز شعری را سرودم و به ایشان تقدیم کردم. این شعر در رثای ذوالجناح سروده شده است که تقدیم می‌کنم:

جوشنی از زخم بر تن اشک افشان ذوالجناح
بازگشت آشفته یال از گرد میدان ذوالجناح
تا برد از قتلگاه گل خبر بر خیمه‌ها
یال را تر کرد با خون شهیدان ذوالجناح
تا کنار خیمه‌های منتظر خود را رساند
حلقه‌ای را دید گرد خویش گریان ذوالجناح
حلقه زد بر دور مرکب اهل بیت سوگوار
اشکباران اهل بیت و اشک ریزان ذوالجناح
زینب آمد از میان خیمه بیرون با شتاب
دید برگشته است بی‌صاحب ز میدان ذوالجناح
گیسوان خویش را افشته با خون کرده بود
تا ببندد با حسین اینگونه پیمان ذوالجناح...

استاد مصطفی محدثی‌خراسانی نیز یک رباعی دارد که متاثر از تابلوی فرشچیان بدین‌گونه سروده شده است:

کم را به رواق کرمش می‌خواند
تا درک حماسه غمش می‌خواند
خارج شده از تابلوی فرشچیان
ما را به دفاع حرمش می‌خواند

محمدحسین ملکیان، غزلسرای کشور که عاشقانه‌هایش معروف است با الهام از نقاشی فرشچیان سروده:

پیراهن تو بر تن این شعر گشاد است
در وصف تنت شاعر ناکام زیاد است
در حسرت فتحت قلم شاعر و نقاش!
زیبایی تو کار به دست همه دادهست!

شاید قلم «فرشچیان» معجزه‌ای کرد
«بازار هنر» چند صباحی‌ست کساد است

حمید برقعی بعد از رونمایی از ضریح امام حسین که طرح آن نیز از استاد فرشچیان بود، شعر بلندی سرود که پایان آن با این ابیات بود:

دوباره داغ دلم تازه شد کنار ضریح
خدا کند که بسازیم قبر پنهان را
برای حضرت مادر ضریح می‌سازیم
و دست فرشچیان طرح می‌زند آن را...

شاعرانی که اهل بیت علیهم‌السلام را درک کرده‌اند

من پیرو دعبل و کمیتم

ظهور و بروز برخی شاعران در دوره زندگانی اهل بیت و تاثیری که در ترویج و گسترش مبانی تشیع داشتند، انکارناپذیر است. هنوز برخی شاعران از ذکر نام و یاد ایشان غافل نمی‌شوند و همواره به آنها توجه دارند. مرحوم حبیب‌الله چایچیان (حسان) اشاره ذوقی قابل تامل به شاعران عصر اهل بیت دارد: «من پیرو دعبل و کمیتم/ من سائل باب اهل بیتم»

آیت‌الله خامنه‌ای به نقل از کتاب «الهمایسون الاولائل» می‌نویسند: «ادبیات در دل‌ها اثر می‌گذاشت و مهر و گرایش مردم را به این یا آن دسته جلب می‌کرد. شاعران و سخنوران به منزله روزنامه‌های آن عصر بودند که هر یک جهت‌گیری سیاسی و ویژه‌ای را مطرح می‌ساختند و از آن دفاع می‌کردند و با زبانی مؤثر و شیوه‌ای رسا دلایلی بر حقانیت گرایش سیاسی خود اقامه می‌کردند و دلایل رقبای خود را مردود می‌ساختند». شاعران هواخواه علویان در قصاید خود که غالباً سرشار از نوعی عاطفه شورانگیز ناشی از احساس مظلومیت است، استدلال‌های شعرای عباسی را رد می‌کردند و برای حقانیت ادعای ائمه شیعه (علیهم‌السلام) اشعاری ارائه می‌کردند. برای نمونه سید حمیری به ماجرای غدیر اشاره می‌کرد: «مَن کنت مولاه و هذا علی مولاه فله برضو و لم یقنعوا/ هر کس من مولای اویم پس این علی او را مولاست و مخالفان بدین امر راضی و قانع نگشتند»

■ **حسان بن ثابت انصاری**

«حسان بن ثابت انصاری خزرجی» در شهر مدینه متولد شد. او یکی از اصحاب رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) بود. پس از بعثت رسول اکرم، او اسلام آورد و شعرش را در خدمت پیامبر اسلام قرار داد. برخی گفته‌اند او نخستین شاعر در عهد اسلام بود که شعر دینی سروده است. امام علی علیه‌السلام و اهل بیت علیهم‌السلام را مدح گفت. پیامبر خدا او را مشمول دعای خویش گردانید و به او فرمود: تا زمانی که با اشعارت ما را یاری می‌دهی با روح‌القدس تایید می‌شوی. او حدیث غدیر را به نظم آورد و در سال ۵۴ هجری در مدینه وفات یافت. از حسان بن ثابت دیوان شعری باقی مانده است.

■ **سیداسماعیل‌حمیری**

«اسماعیل بن‌محمد بن‌یزید» ملقب به «سید» از قبیله حمیر از مشهورترین ادبا و شعرای عرب و از بزرگ‌ترین شعرای اهل بیت علیهم‌السلام بوده است. او با امام صادق علیه‌السلام مصاحب شد و به دیدار امام کاظم علیه‌السلام مشرف شد و طبق نقلی در سال ۱۷۳ هجری در بغداد وفات یافت و همانجا مدفون شد. حمیری از جمله شاعران بسیار پُرکار بوده که اشعار بسیار زیادی را سروده است. در میان اشعار او یک شعر از شهرت بسیار بزرگی برخوردار است که بنابر برخی روایات، قسمت‌هایی از این شعر بر برخی از ائمه اطهار عرضه شده و آنها از این شعر تمجید کرده‌اند. یکی از ابیات او این چنین است: مَوْلَی لَهُ الْجَنَّهُ مَأْمُورَةٌ ❁ وَ النارُ مِنْ إجْلَالِهِ تَفْزَعُ: علی بن ابیطالب، آن أمیرمؤمنانی است که بهشت در زیر فرمان اوست، و آتش از جلال و اُبّهَت او در فَزَع و ترس است.

■ **کمیت بن زید اسدی**

«کمیت بن زید اسدی کوفی» در سال ۶۰ هجری در کوفه به دنیا آمد. او خطیبی فقیه و ادیبی شجاع بود. برخی گفته‌اند بیش از ۵۰۰۰ بیت شعر سروده و دیوان شعری هم از او باقی است. کمیت از شعرایی بود که به مدح ائمه اطهار می‌پرداخت و از مشهورترین اشعار او به «هاشمیات» می‌توان اشاره کرد. هاشمیات قصایدی بود است که در مدح اهل بیت و هاشمیت سروده شده است. این شاعر مورد توجه و عنایت خاص ائمه بوده است. کمیت از جمله شعرایی است که محضر ۳ امام بزرگوار یعنی امام سجاد علیه‌السلام، امام باقر علیه‌السلام و امام صادق علیه‌السلام را درک کرده است و با آنها ملاقات داشته است. وفات او به سال ۱۲۶ هجری بوده است.

■ **دعبل خزاعی**

«دعبل خزاعی» در سال ۱۴۲ یا ۱۴۸ هجری در شهر کوفه به دنیا آمد. بعد از مدتی در بغداد ساکن شد. او از بزرگان شعرای عرب در ایام خلافت عباسیان بوده است. او عالمی عالی‌المنزله بوده است که دوران امام کاظم علیه‌السلام را درک کرده، با امام رضا علیه‌السلام مصاحب بوده است و با امام جواد علیه‌السلام هم ملاقات داشته است. او کتاب «طبقات الشعراء» را تالیف کرده و دیوان شعری هم دارد. در سال ۲۴۶ یا به قولی ۲۴۵ در عراق وفات یافته است. در علت قتل او برخی گفته‌اند: «او معتصر را هجو کرد و معتصم او را کشت.» قصیده مدارس آیات به‌دلیل اینکه در حضور امام رضا علیه‌السلام خوانده شده است از ویژگی بارزتری برخوردار است و آن تأیید محتوای آن توسط ولی مطلق است.

و أین الالی شطت بهم غربه النوی
أفانین فی الآفاق مفترقات
هم أهل میراث النبی إذا إعترؤا
و هم خیر سادات و خیر حماه

کیحا هستند آنهایی که دوری غربت آنها را پراکنده کرد و مانند شاخه‌های درختان در زمین پراکنده گشتند. آنها (اهل بیت) میراث پیامبر بودند در نسب خویش و بهتر و برتر حامیان دین او بودند.

■ **فرزدق**

شاعر مشهور زمان امام سجاد علیه‌السلام بوده است. او از بزرگ‌ترین شعرای عرب بوده است که در همه ابواب شعر تبحر داشته است، به‌گونه‌ای که علمای لغت درباره او گفته‌اند: «اگر اشعار فرزدق نبود یک سوم لغت عرب موجود نبود». او در سال ۲۰ هجری در بصره متولد شد. بعد از جنگ جمل پدرش او را به محضر علی علیه‌السلام آورد و به حضرت عرض کرد که او شاعر است. امام علی علیه‌السلام به پدر فرزدق فرمود: «علمه القرآن؛ به او قرآن را بیاموز». از فرزدق دیوان شعری باقی مانده است. علامه فرزدق شعری معروف درباره امام سجاد علیه‌السلام دارد: هذا الذی تَعرِفُ البَطحاءُ وَطاَتهُ" و البَیْتُ یَعرِفهُ والحِل و الحَرمُ» «این آقا کسی است که [حتی] سنگ‌ریزه‌ها[ی سرزمین مکه] جای پای او را می‌شناسند و خانه کعبه و حل و حرم با او آشنا هستند».

تاج‌الشعرا عمان سامانی

صاحب گنجینه اسرار

میرزا نورالله فرزند میرزا عبدالله، ملقب به «تاج‌الشعرا» و مشهور به «عمان سامانی» در سال ۱۲۵۸هجری قمری در سامان از قریه‌های چهارمحال و بختیاری زاده شد و به سال ۱۳۲۲هجری قمری دعوت محبوب خویش را در دیار بختیاری اجابت کرد. پیکر پاکش را در مسجد جامع سامان به آغوش خاک سپردند و چندی بعد، بنا بر وصیتش و او را به وادی‌السلام نجف انتقال داده و در پناه حضرت مولا و ارواح‌العالمین‌له‌الفدا جای دادند. امالت و تربت عمان سامانی به خاطر آفریدن مثنوی بلند و ارزشمند «گنجینه‌الاسرار» است. این کتاب که حاصل توجهات ذوقی و عارفانه شاعر به داستان کربلاست، از آغاز آفرینش و ایجاد نشئات مختلف و مراحل وجود شروع شده و در تنه محکم خود به حرکت حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام به سرزمین طف و انتخاب شهادت می‌پردازد.

در تفسیری بر شعرهای آیینی عمان سامانی، شاعر بنام آیینی دوره قاجار، آمده است: بخشی از گنجینه‌الاسرار عمان سامانی، براحت استهلالی است برای ورود به فضل حضرت ابالفضل‌العباس علیه‌السلام که این براحت استهلال به جای آنکه علی‌الرسم، نشانه‌هایی از داستان را به شکلی وصفی در بافتی غیرمستقیم بیاورد، جنبه‌ای شخصی دارد و شدیداً تغزلی است. تو گویی حضرت ابالفضل علیه‌السلام و عزیمت او به سمت آب، در وجود شاعر تجلی کرده است. با هم بخوانیم:

باز لیلی زد به گیسو شانه را
سلسله‌جنبان شد این دیوانه را
سنگ بردارید ای فرزانگان
ای هجوم‌آرنده بر دیوانگان
از چه بر دیوانه‌تان، آهنگ نیست؟
گر مهیا شد، شما را سنگ نیست؟
عقل را با عشق، تاب جنگ کو؟
اندرین جا سنگ باید، سنگ کو؟
باز دل افراشت از مستی علم
شد سپهدار علم، جنگ‌القلم
گشته با شور حسینی نغمه‌گر
کسوت عباسیان کرده به بر
جانب اصحاب، تازان با خروش
مشکی از آب حقیقت پر، به دوش
کرده از شط یقین آن مشک پُر
مست و عطشان همچو آب‌آور شتر
تشنه آبش حریفان سر به سر
خود ز مجموع حریفان تشنه‌تر
چرخ ز استسقای آبش در طپش
برده او بر چرخ، بانگ العطش
ای ز شط سوی محیط اورده آب
آب خود را ریختی واپس شتاب
آب آری سوی بحر موج‌خیز؟!
بیش از این آبت مریز آبت مریز

و اشاراتی بر این فصل:

۱- شدت وجد و اشتیاق از ۴ بیت اول پیداست.

۲- در بیت چهارم جفّ‌القلم یعنی قلم خشک شد. از این عبارت که سپهدار علم (یعنی دل مست) جفّ‌القلم شده است ۲ گونه می‌شود برداشت کرد؛ یکی اینکه قلمش خشک شد، یعنی دم در کشید و پرده‌دری و شطّاطی را فرو گذاشت. دو دیگر اینکه ناگهان آن حدیث معروف به یاد می‌آید:

«جفّ‌القلم بما هو کائن: قلمت فقد فضا و قدر الهی»

خشک شد به نوشتن هر آنچه بودنی است» با توجه به این حدیث بسیار معروف در لسان اهل طریقت، می‌شود این را هم فهمید که در این حالت مستی، دل سرپرده محض است و هر چه می‌کند دیگر به خود نمی‌کند.

۳- ابیات بعدی، حکایت همان دل مست است.

دل مست شاعر که انگار با خاطره ذهنی حضرت عباس یکی شده است و در عین حال، رمزگشایی از اسم «سقا» است. صورت ظاهری حضرت عباس سقایی از لب تشنگان است اما باطن این سقایی، مرتبه‌ای است که مولوی درباره آن چنین می‌فرماید:

آب کم جو تشنگی آور به دست
تا بجوشد آبت از بالا و پست

و سقای لب تشنه کربلا، خود هم مظهر تشنگی است و هم مصدر آب، فتأمل.

۴- شاعر در حالی که دارد خود را وصف می‌کند، ناگهان می‌بیند که کسوت حضرت عباس را در وصف خویش بر تن خویش پوشیده است. می‌بینید که خود را در «از دیار وجد اشتداد شوق» با حضرت ابالفضل‌العباس علیه‌السلام یگانه یافته و باز هم شطّاطی کرده است. پس بلافاصله مهار «اشتر مست عطشان دل» را می‌کشد و ادب نگاه می‌دارد و ۳ بیت آخر را می‌سراید. (نقل از کتاب «عمان سامانی به روایت زهیر توکلی»)

«عرش بر زمین افتاد» یکی از آثار مهم این سال‌های نقاشی آیینی که بیانگر آخرین لحظات زندگی حضرت سیدالشهدا(ع) است، آبان‌ماه سال ۱۳۹۵ رونمایی شد. حسن روح‌الامین در این اثر استفاده از رنگ‌های خشن پیش از ورود به جهان اثر مخاطب را با پیش‌فرض‌ها و نشانه‌های واقعه همسان و از دریچه واقعیت تثبیت شده به سمت درک روایت‌گری تابلو رهنمون می‌کند. عنوان اثر نیز برگرفته از سروده‌ای از مقبل کاشانی است.
تکنیک: رنگ روغن روی بوم
ابعاد: ۳۰۴ متر

روایت ترکیب‌بندی نظیر مقبل کاشانی

عرش بر زمین افتاد

«حسن روح‌الامین» عنوان یکی از تاثیرگذارترین آثارش را از ترکیب‌بند مقبل کاشانی وام گرفته است. «عرش بر زمین افتاد» عنوانی است که به ترکیب‌بند معروف مقبل بازمی‌گردد که ماجرای عجیبی دارد. مقبل شبی در عالم خواب، خود را در حرم منور حضرت سیدالشهدا(ع) می‌بیند که منبری گذارده و پیامبراکرم(ص) تشریف داشتند، در آن اثنا محتشم را حاضر کردند. پیامبر (ص) فرمودند: امشب شب جمعه است، بر منبر برو و در مصیبت فرزندم چیزی بخوان. محتشم به امر آن حضرت بر منبر رفت. خواست در پله اول بنشیند ولی حضرت فرمودند: بالا برو. چون به پله دوم رفت، باز فرمودند: بالا برو و همچنان به او فرمود، تا اینکه بر پله آخر (پله نهم) منبر نشست و اشعاری خواند تا به این بند معروف رسید:

پس با زبان پرگله آن بضعه بتول
رو در مدینه کرد که ایها الرسول
این کشته فتاده به هامون حسین توست
وین صید دست و پا زده در خون حسین توست
این ماهی فتاده به دریای خون که هست
زخم از ستاره بر تنش افزون حسین توست
یک وقت ملائکه گفتند: محتشم بس است. پیغمبر غش کرده است. پیغمبر را به هوش آوردند. پیغمبر عبایش را برداشت با دست خودش بر دوش محتشم انداخت. مقبل گوید: من دلم شکست و با خود گفتم: البته اشعار من مورد قبول آن حضرت قرار نگرفته است، زیرا به من دستور خواندن ندادند. ناگاه حوریه‌ای به خدمت حضرت آمد و عرض کرد: حضرت فاطمه الزهرا(س) می‌گویند دستور بفرمایید که مقبل واقعه‌ای در مرثیه سیدالشهدا(ع) بخواند. پس آن حضرت به من امر فرمودند و بر منبر رفتم و در پله اول ایستادم و چنین خواندم:

روایت است که چون تنگ شد بر او میدان
فتاده از حرکت ذوالجناح وز جولان
نه سیدالشهدا بر جدال طاقت داشت
نه ذوالجناح دگر تاب استقامت داشت
به رنگ پرتو خورشید، بر زمین افتاد
هوا ز باد مخالف، چو قیرگون گردید
عزیز فاطمه از اسب سرنگون گردید
بلندمرتبه شاهی ز صدر زین افتاد
اگر غلط نکنم، عرش بر زمین افتاد

ناگاه کسی اشاره کرد که فرود آی دختر پیامبر(ص) بیهوش گشته است. من از منبر فرود آمدم و منتظر عطای حضرت خیرالبریا بودم. ناگاه دیدم ضریح مطهر حضرت سیدالشهدا(ع) باز شد و شخص جلیل‌القدری از آن بیرون آمد. اما زخم سینه‌اش از ستاره افزون و جراحات بدنش از شمار بیرون است. ایشان خلعت فاخری به من عطا فرمودند. عرض کردم فدایت گردم، شما چه کسی هستید؟ فرمودند: من حسین(ع) هستم. (این بخش از روایت زندگی مقبل در کتاب «آثار و برکات حضرت امام حسین(ع)» نوشته محمدرضا باقی اصفهانی آمده است).

تأثیر ترجیع‌بند محتشم بر فرهنگ و هنر ایرانی

نه هر که مرثیه‌ای ساخت محتشم گردد

شاعران زیادی پیرامون حادثه عاشورا شعر سروده‌اند اما جایگاه «ترجیع‌بند کمال‌الدین علی محتشم‌کاشانی» متمایز از همه اشعار است، به گونه‌ای که استاد محمدعلی مجاهدی، متخلص به پروانه و از شعرای بنام روزگار ما درباره اهمیت ترجیع‌بند محتشم این بیت را دارد که «قبول خاطر «خون خدا» شدن شرط است/ نه هر که مرثیه‌ای ساخت محتشم گردد» و به نظر کردن بر این ترجیع‌بند اشاره دارد.

ترجیع‌بند محتشم‌کاشانی با این دو بیت شروع می‌شود:

باز این چه شورش است که در خلق عالم است
باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است
باز این چه رستخیز عظیم است کز زمین
بی نفخ صور خاسته تا عرش اعظم است

ابیاتی که هر کس از کودکی در هر هیاتی وارد شده باشد کتیبه‌هایی آن را دور تا دور حسینیه دیده است. تاثیر این ترجیع‌بند بلند در فرهنگ و هنر ایرانی- اسلامی بسیار زیاد بوده است. «کتیبه‌کوبی» اصفهان که جزو هنرهای زیبای اصفهانیان است با پارچه کتیبه‌های محتشم در همه جای ایران شناخته می‌شود و با این شعر روتق گرفته است.

■ **تأثیر ترجیع‌بند محتشم بر فرهنگ و هنر ایران**

در حوزه ادبیات منظوم ایران شعر محتشم را می‌توان مبدأ شعر آیینی دانست که با ۷ ویژگی توانست جریان شعری دینی را پررنگ کند. محتشم در این شعر ضمن سرودن یک مرثیه حزن‌انگیز و جانفزا از یک حماسه و حماسه‌خوانی سخن می‌گوید. این اثر ساختاری البته در کنار اثر محتوایی است که شعر محتشم در جریان شعر آیینی گذاشته؛ به گونه‌ای که کمتر شاعر آیینی را می‌توان سراغ گرفت که اثر این ترجیع‌بند مستقیم و غیرمستقیم در شعرش تکرار نشده باشد.

در این بین می‌توان به شعر معروف محمدحسین بهجت‌تبریزی اشاره کرد که در آن می‌خواند:

کشتی شکست خورده توفان کربلا
در خاک و خون طپیده میدان کربلا
گر چشم روزگار بر او زار می‌گریست
خون می‌گذشت از سر ایوان کربلا

یا بیت مشهور سیدحمید برقعی که می‌خواند: «باز این چه شورش است که در جان واژه‌هاست» شاعر شکست خورده توفان کربلاست».

در هنرهای تجسمی دینی می‌توان تاثیر ترجیع‌بند محتشم را در نقاشی و نگارگری به وضوح دید. خطاطی‌های استاد مرحوم اباصلت صادقی از این ترجیع‌بند و نقاشی ماندگار «عصر عاشورا» از استاد محمود فرشچیان که به تأسی از این ابیات محتشم کشیده شده است، تنها ۲ نمونه کوچک از این تاثیر است. همچنین «کتیبه گروهی با حضور علی شیرازی در موزه امام علی(ع)»، «پروژه ۱۲ بند محتشم به روایت نقش و رنگ با مشارکت جمعی از هنرمندان» و «کتاب ترجیع‌بند محتشم اثر مجتبی ملکزاده و تعدادی دیگر از تذهیب‌گران و نقاشان نامی کشورمان» از این دست آثاری است که با الهام از شعر محتشم ماندگار شد.

«نقالی» یا «پرده‌خوانی» هنر دیگری است که متاثر از ترجیع‌بند محتشم شده است و پرده‌های زیادی بر اساس این ترجیع‌بند نقاشی شده و روی آن نقالی روضه‌های امام حسین و یارانش انجام می‌شود.

■ **محتشم که بود؟!**

کمال‌الدین علی محتشم‌کاشانی دارای لقب «شمس‌الشعرای کاشانی» متولد ۹۰۵ ه‌ق در کاشان است. او همدوره با پادشاهی شاه‌طهماسب یکم صفوی بود. شغل اصلی محتشم بزازی و شعربافی بود و تمام عمر خود را در کاشان زیست. محتشم از مهم‌ترین شاعران مرثیه‌سرای شیعه است. در دیوان غزلیات و قصاید خود، شاعر متوسطی است اما در ترکیب‌بند مورد نظر ما، نعت‌ها شاهکار جمیع اشعار خویش، بلکه یکی از چند شعر بی‌همتای زبان فارسی را آفریده است.

■ **«باز این چه شورش است» چگونه آفریده شد؟!**

محتشم برای برادر خود، عبدالغنی که در سفر مکه وفات یافته بود نوحه‌گری می‌کرد و اشعار مصیبت می‌گفت تا شبی در عالم رویا بدو گفتند: «این چه کاری است می‌کنی؟ اگر می‌خواهی دنیا و آخرت معمور شود، برای ما اشعار مصیبت بگو. مگر نشنیده‌ای که مَن قالَ فینا بیتا بَنی‌لَهُ قُبّ فی الجَنّه بیتا». محتشم از خواب بیدار شده و همین ۱۲ بند معروف را املا کرد که مطلع آن این است:

باز این چه شورش است که در خلق عالم است
باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است

محتشم در سرودن بخشی از این شعر دچار مشکل شد و باز دیگر در حالت مکاشفه، مصرع دوم بیت که نتوانسته بود آن را بسراید به او الهام شد. در این بیت آمده است: «همست از ملال گرچه بری ذات ذوالجلال/ او در دل است و هیچ دلی نیست بی‌ملال».

سلیم مؤذن‌زاده

نوای زینب زینب

یکی از اساتید مسلم مداحی، اثاث و مرثیه‌سرایی، حاج سلیم مؤذن‌زاده‌دبیلی بود که نوای او بیش از ۶ دهه با حنجره‌ای استثنایی، گوش و دل علاقه‌مندان را نوازش داد. استاد سلیم مؤذن‌زاده‌دبیلی در سال ۱۳۱۵ شمسی در شهر اردبیل دیده به جهان گشود. وی یکی از فرزندان شیخ عبدالکریم مؤذن‌زاده‌دبیلی نخستین مؤذن رادیوی ایران و برادر رحیم مؤذن‌زاده‌دبیلی از مؤذنان معروف ایران است. وی علاوه بر زبان ترکی- آذربایجانی، به زبان فارسی و عربی نیز تسلط داشته و به نوحه‌سرایی در این زبان‌ها نیز معروف بود. اعجاب و توانایی بی‌وصف در اجرای برنامه‌های گوناگون مداحی، نوحه‌خوانی، مولودخوانی، اذان و قرائت قرآن مجید از دوران نوجوانی وی را در ردیف یکی از مطرح‌ترین افراد جهان در این رشته‌ها قرار داده است. وی بعطور متوسط روزانه ۵ ساعت از عمر خود را صرف مداحی کرده و بیش از ۲ هزار عنوان نوار کاست مربوط به برنامه‌های او از زمان پیدایش ضبط‌صوت تاکنون موجود است و اذان معروف وی در دستگاه ماهور خوانده شده است. سلیم که خود علاوه بر حفظ روش‌های قدیمی، سبک‌های جدیدی با اصالت فرهنگی را در نوحه‌خوانی و مداحی ابداع کرده، می‌گوید: صدای من و برادرانم در برابر صدای پدرم مانند قطره‌ای است در مقابل دریا. خالق نوای «زینب زینب» که نزدیک به ۳ دهه به یکی از پرفروش‌ترین کاست‌ها و پرمخاطب‌ترین مداحی‌ها تبدیل شده بود، از عبارتی فاخر برای اهل‌بیت علیهم‌السلام استفاده می‌کرد. به گفته مردم استان اردبیل در دهه ۶۰ ایشان بیش از ۵ ساعت در اوج می‌خواند و بیش از ۱۵ ساعت پی‌درپی مداحی می‌کردند که در نوع خود بی‌نظیر است.

■ **در دستگاه امام حسین(ع) باید نفس سالم داشت**

از نظر و توخه‌خون باید دوره‌های تعلیم را با موفقیت پشت سر بگذارد و به این نکته توجه کند که می‌خواهد برای عزای حسین‌بن‌علی نوحه بگوید، پس پاکی نیت و خلوص عمل لازمه موفقیت و ماندگاری است. او می‌گفت: «باید برای نوحه‌خوانی علاقه داشت. اگر علاقه قلبی و خواست درونی نباشد و امیال نفسانی و رسیدن به مادیات مدنظر باشد، چندی نمی‌گذرد که هم آبروی آدم می‌رود و هم مال و منالش. دستگاه امام حسین(ع) با کسی شوخی ندارد، باید پاک بود و با نفس سالم به این درگاه خدمت کرد».

■ **مطالعه ۲ ساعت کتاب برای خواندن یک شعر**

سلیم مؤذن‌زاده به دوران همراهی‌اش با استاد تاج‌الشعرا اشاره می‌کند. وی می‌گوید: «استاد یحیوی همسایه ما بودند. در مکتب ایشان نکته‌ها آموخته‌ایم. من بیشتر اوقات با ایشان بودم و شعرهای ایشان را می‌خواندم. شعر «محنه»، از نخستین‌بار من خواندم و برای خواندن آن بیشتر از ۴۰۰ صفحه کتاب مطالعه کردم تا بدانم واقعیت تاریخی و دینی آن چه بوده است».

تاج‌الشعرای اردبیل

مرثیه در اوج

استاد یحیوی، یکی از بزرگ‌ترین شاعران حماسه‌سرای عاشورایی است که اشعار ناب و بی‌مانندش همواره در محافل و مجالس حسینی ورد زبان عاشقان ابا عبدالله الحسین(ع) است. مرحوم عباسقلی یحیوی در تاریخ ۲۷ تیر ماه ۱۲۸۰ هجری شمسی در خانواده‌ای مذهبی و عاشق اهل بیت دیده به جهان گشود. وی با تخلص «حقر» سرودن اشعار عاشورایی را آغاز کرد. حاصل ۷۸ سال عمر و ۶۵ سال سابقه سخن‌پردازی وی ۸ جلد کتاب است که حاوی صدها قطعه اشعار فارسی و ترکی آذری است.

رهبر انقلاب دربارهٔ یکی از اشعار معروف تاج‌الشعرا اینطور می‌فرمایند: درست است که مصیبت‌نامه محتشم، ترکیب‌بند محتشم از لحاظ استحکام لفظ و معانی خیلی خوب است اما این شعر از لحاظ تصویرسازی و صحنه‌پردازی کم‌نظیر است. مایه‌های مرثیه‌ای این شعر در اوج است. در شعر مرثیه و مصیبت،